

نقد کتاب تاریخ تفکر اجتماعی در اسلام

حجة الاسلام والمسلمین دکتر سید محمد تقی
عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد تهران، واحد مرکز

مقدمه

تحول و تکامل علوم و نظریات علمی امری طبیعی، و طرح و بررسی و نقد آرای دانشمندان در یک جامعه علمی زنده و با نشاط، امری ضروری است؛ از سوی دیگر تحقیقات و تئوری‌های علمی همواره بر پیش‌فرض‌های خواننده و ناخواننده‌ای استوارند که با تحول در آنها تئوری‌های علمی و پژوهش‌های مبتنی بر آنها دگرگون می‌شود. از آن‌جا که بومی کردن علوم انسانی در جامعه اسلامی ما، بیش‌تر در اسلامی کردن آن جلوه‌گر می‌شود، کندوکاو در آموزه‌های دینی و آرای دانشمندان مسلمان امری ضروری می‌نماید و عدم توجه کافی به این اندیشه‌ها، در علوم اجتماعی رایج، این ضرورت را دوچندان می‌کند.

کشف، بررسی و تحلیل، و ارائه‌ی اندیشه‌های دانشمندان مسلمان که با الهام از منابع اصیل اسلامی (کتاب و سنت) و در فضای فرهنگ اسلامی پدید آمده است، علاوه بر آن‌که از لحاظ نظری خلاً تئوریک جامعه‌ی اسلامی را پر می‌کند و پیش‌فرض‌های نوینی را ارائه می‌دهد، مانع از خودبیگانگی فرهنگی و اجتماعی می‌شود و زمینه‌ای برای فراهم آوردن راه‌حل‌های عملی برای پاره‌ای از معضلات و مسائل اجتماعی است. کتاب تاریخ تفکر اجتماعی در اسلام بنابر ضرورت فوق و به منظور تهیه‌ی متنی متقن و

جامع برای درس «تاریخ تفکر اجتماعی در اسلام» در گروه جامعه‌شناسی پژوهشکده‌ی حوزه و دانشگاه تألیف شده است. در فصل نخست کتاب، با مراجعه‌ی مستقیم به منابع اسلامی، موضع اسلام نسبت به علوم بشری، وضعیت این علوم در فرهنگ و تمدن اسلامی، چگونگی رابطه‌ی اسلام با علوم انسانی، بومی کردن آنها و پاره‌ای از ویژگی‌های اندیشه‌های اجتماعی متفکران مسلمان به اختصار بررسی شده است. در فصل‌های دیگر این کتاب نیز با مراجعه‌ی مستقیم به آثار دانشمندان مسلمان - به میزان ظرفیت کتاب - آرای اجتماعی دانشمندان استخراج و در قالب‌های مأنوس با فضای فکری دانشجویان علوم اجتماعی ارائه شده است. دانشمندانی که آرای آنان در این کتاب بررسی شده است، عبارت‌اند از: ابونصر فارابی، اخوان‌الصفاء، ابوریحان بیرونی، خواجه نصیرالدین طوسی، ابن‌خلدون.

هرچند این اثر به عنوان متن درس تاریخ تفکر اجتماعی در اسلام در مقطع کارشناسی تهیه شده است، با توجه به ویژگی‌های یادشده، می‌توان در درس «اندیشه‌ی اجتماعی متفکرین اسلامی ۱ و ۲» در مقطع کارشناسی ارشد نیز از آن استفاده کرد. نویسندگان این کتاب، مجید کافی، محمد داوری، حفیظ‌الله فولادی، مهدی صفار دستگردی و دکتر سیدمحمد سلیمان پناه هستند و نظارت بر اجرای طرح، از آغاز تا مرحله‌ی نهایی اثر، بر عهده‌ی دکتر غلامعلی خوشرو بوده است. حجة‌الاسلام والمسلمین محمود رجبی، مدیر گروه علوم اجتماعی پژوهشکده‌ی حوزه و دانشگاه نیز، علاوه بر تهیه‌ی فصل نخست کتاب، بازنگری و ویرایش محتوایی سایر فصول را به عهده داشته است.

تاریخ تفکر

به‌طورکلی، تاریخ تفکر معمولاً تاریخ تفکرات نویسندگان است که سلسله‌وار از نظر تاریخی مطرح می‌شوند. در عصر ما تاریخ جامعه‌شناسی از اگوست کنت در قرن ۱۹ شروع می‌شود و تا انتهای قرن بیستم و اوایل قرن ۲۱ ادامه می‌یابد. در تاریخ ۱۵۰ سال اخیر جامعه‌شناسی معمولاً چهار نسل پی‌درپی را می‌توان مطرح کرد. علی‌رغم این‌که در این کتاب به ترتیب زمانی متفکران توجه نشده است، اما به‌لحاظ تاریخی بودن مباحث می‌توان آن را تاریخ تفکر محسوب داشت.

این کتاب در مقایسه با کتاب‌های مشابه در این زمینه امتیازات زیادی دارد، اما نکات ذیل در آن قابل تأمل است:

الف) تسامحی بودن عنوان کتاب با توجه به محتوا

به کارگیری قید اسلامی، در بحث از تاریخ تفکرات این افراد و نامگذاری کتاب با عنوان «تاریخ تفکر اجتماعی در اسلام» به نوعی تسامحی است؛ زیرا تفکرات این افراد نشان‌دهنده‌ی صرف مباحث اسلامی نیست، بلکه برخی از آن موارد از فلسفه یونان اخذ شده است. البته همان‌طور که در بخش معرفی کتاب آمد، این نام‌گذاری به سبب تناسب آن با واحد درسی «تاریخ تفکر اجتماعی در اسلام» بوده است؛ ولی کتاب در واقع تاریخ تفکر اجتماعی متفکران مسلمان است.

ب) طرح مطالب خارج از بحث

در صفحه‌ی نه، نویسنده، تحت‌تأثیر اندیشه‌های رایج، به مطالبی اشاره کرده که خارج از موضوع کتاب است؛ مثلاً طرح بحث کتاب‌سوزی تنها در ذهن دانشجو شبیه ایجاد می‌کند بدون آن‌که جواب کافی به آن داده شود؛ از این رو خارج از چهارچوب کتاب درسی و موضوع این کتاب است. برای نشان دادن اهتمام اسلام به علم و عدم مخالفت با آن و این‌که سفارش‌های او نسبت به اهمیت علم و علم‌آموزی، موجبات پیشرفت علم در تمدن اسلامی را فراهم آورده است، نیازی به طرح بحث کتاب‌سوزی نیست و فرهنگ غنی اسلامی خود‌گویای اهتمام خاص اسلام به علم است؛ لذا شایسته است پاراگراف مربوط به این بحث در چاپ‌های بعدی حذف شود.

ج) پیش‌فرض گرفتن اثبات جامعه‌شناسی اسلامی

در مقدمه -گویا تحت‌تأثیر شرایط زمان- مطرح و تأکید شده است که ما جامعه‌شناسی اسلامی داریم. با توجه به این‌که این مطلب در مرحله‌ی بحث و بررسی است و کاملاً اثبات نشده است و عملاً هم طی دو دهه‌ی گذشته که این بحث مطرح شده، هنوز مطالب انسجام علمی نیافته‌اند، باید اول این ادعا را ثابت کرد، به‌گونه‌ای که برای خود‌گویندگان روشن شود و سپس آن را مطرح کرد؛ بنابراین، این بحث از مباحث کتاب درسی حاضر، خارج است.

به نظر می‌رسد بهتر است به جای الحاق صفت «اسلامی» به عناوین «جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و...» بحثی در رابطه با تقسیم‌بندی علوم بر مبنای «متد» و در ضمن آن، مطالعه بر مبنای «ایمان» مطرح شود. بدین صورت که علوم را می‌توان برحسب متد، به شکل زیر تقسیم‌بندی کرد:

۱. متد برهانی؛

۲. متد استقرائی؛

۳. متد ایمانی.

پوزیتیویست‌های قرن ۱۸، با خیانت خود، متد ایمانی را از روش شناخت و مطالعه حذف کردند؛ اما چنانچه عده‌ای از دانشمندان مانند ماکس شلر می‌گویند: موضوعاتی وجود دارند که اگر کسی ایمان نداشته باشد نمی‌تواند آنها را درست درک کند و بفهمد؛ مانند عرفان یا جامعه‌ی آرمانی. این ایمان در جامعه‌ی آرمانی امثال فارابی، ایمان مذهبی است و در جامعه‌های آرمانی مارکسیسم یا ناسیونالیسم به گونه‌ای دیگر است. منظور از ایمان، اعتقاد حتمی فرد به تحقق آن جامعه به صورتی است که در مکتب آمده است.

د) عدم اشاره به ریشه‌های تاریخی - اجتماعی تفکرات

در مواردی که بحث فکر اسلامی مطرح است، باید به نوعی به تطوّر فکری و ریشه‌های تاریخی آن در اسلام اشاره می‌شد؛ برای مثال، دوره‌ی مأمون عباسی دوره عقل‌گرایی و دوره‌ی بعد دوره‌ی جنبش ترجمه است. در جنبش ترجمه در اسلام، جامعه باز است، و می‌توان فارابی را محصول این دوره دانست. در معرفی تفکر فارابی باید مشخص شود که این فکر یونانی چه موقع به عالم اسلام رسیده و مورد استفاده‌ی او قرار گرفته است.

ه) تکراری بودن بخش خواجه نصیر

بحث خواجه نصیر بازگویی بحث فارابی است؛ چرا که فلسفه‌ی خواجه، شرح و بسط فلسفه‌ی فارابی است و ایشان هیچ بحث جدیدی از خودشان ندارند؛ به همین دلیل دانشجو با خواندن این فصل احساس می‌کند که مطالب تکراری است. شایسته بود به جای طرح آرای خواجه نصیر به تفکرات ابن سینا که در جامعه‌شناسی مدنی بحث بیش‌تری کرده است، پرداخته می‌شد.

و) فصل ابوریحان بیرونی، بیش‌تر مردم‌شناسی است تا جامعه‌شناسی

فصل ابوریحان بیرونی هر چند عالمانه نوشته شده است، به دلیل محتوایش که مردم‌شناسی است، با محتوای کلی کتاب، که بیش‌تر متفکران آن، مانند غزالی، فارابی، خواجه نصیر و ابن خلدون با گرایش جامعه‌شناسی انتخاب شده‌اند، تناسب ندارد. پیشنهاد می‌شود که همین گروه پژوهشی حوزه و دانشگاه، کتابی هم در زمینه‌ی تفکرات مردم‌شناسی بنویسند و در آن، تفکرات مردم‌شناسان مسلمان از قبیل: ابن خلدون، بیرونی، مولوی، ابن بطوطه و قزوینی، که فرهنگ‌شناسی بسیار خوبی دارد، را مطرح کنند.

ز) ضرورت بررسی آرای متفکران مسلمان معاصر

برای جلوگیری از تکرار مباحث در دوره‌ی کارشناسی و کارشناسی ارشد پیشنهاد می‌شود که دو نوع تاریخ تفکر اجتماعی تدوین شود: یکی بررسی آرای متفکران مسلمان معاصر که مهم‌تر از متفکران گذشته هستند؛ مانند امام خمینی، شهید صدر، شهید مطهری، اقبال، مالک بن نبی و...، برای تدریس در سطح کارشناسی؛ و دیگری بررسی نظریات متفکران قدیم، مانند ابن خلدون، فارابی و امثال این‌ها، برای تدریس در دوره‌ی کارشناسی ارشد که رشته‌ها تخصصی‌تر است.

ح) عدم نیاز به بحث تطبیقی در دوره‌ی کارشناسی

مطالب در بحث فارابی بسیار خوب مطرح شده، اما در بحث تئوری نخبگان، مقایسه‌ای میان آرای فارابی و یکی از متفکران غربی صورت گرفته است که برای دانشجوی دوره‌ی کارشناسی، به سبب ناآشنایی با این نظریات، ابهام‌آفرین خواهد بود.

ط) ابن خلدون

مباحث فصل ابن خلدون، علی‌رغم تسلط کافی نویسنده، مناسب یک کتاب درسی مقطع کارشناسی نیست؛ زیرا به جای بحث از آرای ابن خلدون از ابتدا خود ابن خلدون، مورد ارزیابی قرار گرفته است و فقط تئوری عصبیت او مطرح شده است.

اگر این مباحث در مقطع دکتری و یا یک مجله‌ی آکادمیک علمی بیاید خوب است. آنچه در این مقاله نیامده اندیشه‌های اجتماعی ابن خلدون است؛ حال آن‌که تکیه‌ی ما در بررسی‌های جامعه‌شناسی اسلامی بر تفکرات ابن خلدون است.

در مجموع نویسنده نتوانسته است در سطح یک کتاب درسی، تفکرات اجتماعی ابن خلدون را معرفی کند، زیرا مباحث به صورت مقایسه مطرح شده است که تناسبی با این کتاب درسی ندارد. بهتر بود در بررسی آرای ابن خلدون مباحثی مانند نظریه‌ی ارزشی کار در جامعه‌شناسی اقتصادی، نظریه‌ی عدم استفاده از زور در آموزش پرورش و دیدگاه‌های او در جامعه‌شناسی جنگ و... مطرح می‌شد که امروزه در مباحث جامعه‌شناسی کاربرد فراوانی دارد.

ی) لزوم استفاده از آیات و روایات در بحث از تفکر اجتماعی در اسلام

اگر در این کتاب قرار بر این است که با نگاه به آیات و روایات موضع اسلام در مورد مباحث و مسائل اجتماعی بررسی شود، پیشنهاد این است که در چاپ‌های بعدی به بحث سنت‌های اجتماعی در قرآن که شهید آیت الله صدر به خوبی بدان پرداخته‌اند، توجه جدی بشود. ایشان به طرز بسیار زیبایی با استناد به آیات قرآن استدلال می‌کنند که

جامعه قانونمند است و سه نوع قانون در جامعه وجود دارد. بعد هم نوع فلسفه‌ی تاریخی و اجتماعی مبتنی بر تفکرات قرآنی را ارائه می‌کنند. ایشان بحث طبقات اجتماعی را مطابق با آیات قرآنی مطرح می‌کنند. این بحث به بحث قشربندی اجتماعی که در جامعه‌شناسی مطرح می‌گردد، بسیار نزدیک است. این نحوه طبقه‌بندی را که شهید آیت الله صدر در کتابشان مطرح می‌کنند، جامعه‌شناسان معاصر هم مطرح کرده‌اند؛ مضاف بر این‌که تناسب بیش‌تری هم با عنوان کتاب دارد.